



Afarand Scholarly
Publishing Institute

Analysis of Indices Governing Personal and Social Relationships from the Perspective of Quranic Culture Discourse

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Kazemi N.^{*1} MA,
Etrat Doust M.² PhD

How to cite this article

Kazemi N, Etrat Doust M. Analysis of Indices Governing Personal and Social Relationships from the Perspective of Quranic Culture Discourse. Journal of Quran and Medicine. 2018;3(3):165-173.

ABSTRACT

Introduction From the point of view of social scientists, communication has been one of the oldest and, at the same time, the highest achievements of mankind. In addition to the functions that have been used to preserve life and to help others, this has been the foundation of social activities and the foundation for human collective life. Knowing the indices governing this kind of relationship can provide us with a clear image of the overall structure in the field of personal and social relationships. In this regard, the Holy Qur'an has been focusing on this important issue and has carefully addressed all its details, and has presented some indices of social and individual relations in a specific framework. Therefore, the aim of this analytical review was to explain the nature of personal and social relationships, and, ultimately, to illustrate the desirable individual and social relationships from the perspective of Quranic culture discourse. **Conclusion** According to the practical culture of the Quran, a specific task has been identified for each family member that includes the duties of the children to the parents and the duties of the parents towards each other. Also, in social relations and dealing with others, the practical culture of the Qur'an presents a system that provides a legal basis for each individual and obliges everyone to respect it against another, which includes positive relations and negative relationships.

Keywords Culture; Quran; Education; Personal and Social Relationships; Community; Social System

¹Quran & Hadith Department, Theology & Islamic Knowledge Faculty, Allameh Tabataba'i University University, Tehran, Iran

²Islamic Education Department, Humanities Faculty, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

*Correspondence

Address: Allameh Tabataba'i University, Central Building, Dehkadeh Square, Dehkadeh-ye-Olympic, Tehran, Iran. Postal Code: 1489684511

Phone: -

Fax: -

r.kazemi502@gmail.com

Article History

Received: August 20, 2018

Accepted: September 06, 2018

ePublished: September 22, 2018

CITATION LINKS

[1] Approach of Islam to four important functions of family [2] Family sociology: An analysis of everyday life and space of family inside [3] Introduction to family sociology [4] Dictionary of behavioral sciences [5] Basic concepts in sociology [6] Comparative encyclopedia of social sciences: War and revolution [7] Quran's social miracle with an emphasis on sociological rules [8] Light interpretation (Tafsir Noor) [9] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran) [10] Light interpretation (Tafsir Noor) [11] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran) [12] The sufficient book (al-Kafi) [13] Light of two precious things (Noor al-Thaqalayn) [14] Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran) [15] Light interpretation (Tafsir Noor) [16] Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran) [17] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh) [18] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh) [19] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran) [20] Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran) [21] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran) [22] The family changes: Family dynamics in various cultural domains [23] Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran) [24] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh) [25] The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran) [26] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh) [27] Light interpretation (Tafsir Noor) [28] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh) [29] Light interpretation (Tafsir Noor) [30] The ideal commentary (Tafsir Nemooneh)

تحلیل شاخص‌های حاکم بر روابط فردی و اجتماعی از منظر گفتمان فرهنگ قرآنی

نجمه کاظمی * MA

گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد عترت دوست PhD

گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: از دیدگاه متخصصان علوم اجتماعی، ارتباط یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال عالی‌ترین دستاوردهای بشر بوده است. این مقوله علاوه بر کارکردهایی که در جهت حفظ حیات و یاری‌گرفتن از دیگران داشته، زمینه‌ساز فعالیت‌های اجتماعی و سرآغازی برای زندگی جمعی بشر بوده است که شناخت شاخص‌های حاکم بر این گونه از روابط می‌تواند تصویری روشن در راستای ترسیم ساختار کلی در حوزه روابط فردی و اجتماعی برای ما فراهم نماید. در این میان قرآن کریم نیز نسبت به بیان این مسأله مهم اهتمام داشته و به‌دقت به تمام جزئیات آن پرداخته است و در باب روابط اجتماعی و فردی در یک چارچوب مشخص، شاخص‌های مدونی را ارائه نموده است. بنابراین هدف این پژوهش مروری تحلیلی، تبیین ماهیت روابط فردی و اجتماعی و در نهایت تبیین و ترسیم روابط فردی و اجتماعی مطلوب از منظر گفتمان فرهنگ قرآنی بود.

نتیجه‌گیری: براساس فرهنگ کاربردی قرآن برای هر کدام از اعضای خانواده وظیفه‌ای خاص مشخص شده که شامل وظایف فرزندان نسبت به والدین و وظایف والدین نسبت به یکدیگر است. همچنین در روابط اجتماعی و برخورد با دیگران نیز فرهنگ کاربردی قرآن ارائه‌دهنده نظامی است که براساس آن حقوقی را بر هر فرد مقرر و هر کس را موظف به رعایت آن در برابر دیگری می‌داند که شامل روابط ایجابی و روابط سلبی است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، قرآن، تربیت، روابط فردی و اجتماعی، اجتماع، نظام اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

* نویسنده مسئول: r.kazemi502@gmail.com

مقدمه

ارتباط فرآیندی است که به‌وسیله آن اطلاعات و احساسات از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان گذاشته می‌شود. در واقع ارتباط و رابطه عبارت است از هر گونه تعاملی که شامل انتقال پیام باشد. در این میان، روابط و ارتباطات بین فردی اساس و شالوده هویت و کمال انسان است و مبنای اولیه پیوند انسان با خود و دیگران را تشکیل می‌دهد، تا جایی که ارتباطات موثر موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت روابط می‌شود. این در حالی است که ارتباطات غیرموثر مانع از شکوفایی انسان می‌شود و برای روابط حکم زهر را دارد و حتی روابط را تخریب می‌کند. در این میان قرآن کریم نیز به‌عنوان حقیقتی آسمانی که برای هدایت همه‌جانبه انسان در مسیر سعادت دنیا و آخرت نازل شده است و کتابی جامع برای همه مردم در تمامی اعصار است به تمامی جوانب زندگی انسانی توجه وافر داشته و با توجه به اهمیت فرهنگ و روابط انسان‌ها با یکدیگر و این مهم که فرهنگ هر جامعه نشانگر چگونگی روابط حاکم بر آن است در باب روابط اجتماعی و فردی در یک چارچوب مدون به بیان شاخص‌های آن پرداخته است. در این راستا تحقق فرهنگ قرآنی در جامعه مستلزم اصلاح و انطباق نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره آن با مبانی قرآنی است. بر این اساس قرآن کریم در باب مسایل فردی و روابط اجتماعی چگونگی تربیت اسلامی، ارائه‌دهنده نظام و راهکاری جامع برای داشتن روابط صحیح و سالم در خانواده و اجتماع، خالی از فساد و ناپهنجاری‌های اجتماعی است تا به تغییر فرهنگ

اجتماعی و تربیت قرآنی بشر بیانجامد. هدف این مطالعه، تبیین ماهیت روابط فردی و اجتماعی و در نهایت تبیین و ترسیم روابط فردی و اجتماعی مطلوب از منظر گفتمان فرهنگ قرآنی بود

ماهیت و چیستی روابط فردی و اجتماعی

نهاد خانواده و کارکردهای آن از دیرباز از سوی ادیان، مکاتب و فرهنگ‌های مختلف، مورد توجه قرار گرفته است. این نهاد تاثیرگذار در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و به آن توجه ویژه‌ای شده است. در اسلام خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان، به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند گام برمی‌دارد. از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده سنگ بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد[1].

تردیدی نیست که انسان موجودی اجتماعی است که نیازمند روابط اجتماعی است و بدون حضور در اجتماع هیچ‌گاه از عهده پاسخگویی به نیازهای متنوع زندگی خویش بر نمی‌آید. طبیعی است که پذیرفتن هر محیط و اجتماعی به معنی متعهد شدن نسبت به شرایط و مقررات ویژه آن محیط است. زندگی اجتماعی نیز بر محور اصول و آداب و قوانین و روابطی تنظیم شده است.

ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین عضو جامعه، خانواده است. از منظر جامعه‌شناسی و تاریخ، این نهاد همیشه توجه متفکران و پژوهشگران را به خود جلب کرده است؛ چون خانواده به‌عنوان اولین آموزشگاه بر چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی بیشترین تاثیر را اولاً بر چگونگی شخصیت روانی و اجتماعی و نوع رابطه با فرزندان دارد، ثانیاً به‌طور غیرمستقیم جامعه را متاثر از نوع روابط و فرهنگ خود می‌کند. لذا توجه به سلامت و چگونگی فضای فکری خانواده از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد بود[2]. بنابراین می‌توان گفت در بین تمامی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی بسزا دارد که تمامی آنان در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند و بر خانواده و اهمیت حیاتی آن نیز تاکید ورزیده‌اند[3].

در تعریف لغوی رابطه آمده است: هر نوع وابستگی و ارتباط میان دو یا چند چیز و همچنین تاثیر و نفوذی که یک چیز در دیگری داشته باشد را رابطه می‌گویند[4]. در حوزه جامعه‌شناسی، اصطلاح رابطه اجتماعی برای ترسیم شرایطی به کار می‌رود که دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن، هر یک از آنان رفتار دیگری را به‌طرز معنی‌داری به حساب می‌آورد. در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود[5].

رفتار اجتماعی بن‌مایه اصلی همه گونه روابط اجتماعی است و بدون حداقلی از ارتباط دوجانبه، رابطه اجتماعی وجود نخواهد داشت. بنابراین روابط اجتماعی کاملاً و منحصراً وابسته به احتمال وجود کنش اجتماعی است که تا حدی از نظر معنایی قابل درک باشند[6]. محتوای چنین ارتباطی می‌تواند بسیار متنوع باشد و مثلاً کشمکش یا دوستی، وفاداری، جاذبه جنسی، مبادله اقتصادی و خصومت را شامل شود. علاوه بر این، محتوای مزبور می‌تواند انجام، انکار، طفره‌رفتن یا هر نوع رقابت یا عضویت در یک گروه یا طبقه را نیز در بر بگیرد.

فرهنگ اجتماعی قرآن در ترسیم روابط اجتماعی مطلوب برای انسان

اسلام نیز به‌عنوان دینی که پاسخگوی نیازهای ضروری روحی و جسمی انسان‌ها در تمام عصرها و مکان‌هاست، نه تنها روابط

آموزه‌های قرآنی به‌عنوان آداب معاشرت از آن یاد کرده و بدان توجه داده است، به این معنی که انسان‌های مومن در روابط خود باید این رفتارها را انجام داده و در رعایت آن کوشا باشند.

۱- تعدیل در برخورد با مردم بدون در نظر گرفتن اعتقادات آنان: به سبب اهمیت عدالت و بررسی آن در جهت پی‌بردن به توازن و تعادل و تناسب خلقت جهان و نیز پی‌بردن به صفت حق تعالی، برای شناخت هر چه بیشتر ذات پاکش، بارها به این مطلب تاکید شده است: "یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لوالدکم علی انفسکم أو الوالدین و الأقریین ان یکن غیباً أو فقیراً فالله أولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تغدوا و ان تلؤوا أو تعرضوا فإن الله کان بما تعملون خبیراً" (نساء: ۱۳۵). در این آیه خداوند کاملاً به عدالت و شهادت برای خدا (حتی به ضرر خودشان) دستور داده است که این نمایانگر اهمیت این مهم است.

"یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنان قوم علی الا تغدوا اعدوا هو اقرب للثقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون" (مائده: ۸). امانتداری، ملاکی برای ارزشیابی افراد است. ارزش‌های اخلاقی، ثبات دارند. حفظ امانت، در نزد همه نیکو و خیانت در آن، نسبت به هر کسی باشد زشت است. رد امانت، یک ارزش است، گرچه از مخالفان باشد [8].

لذا در این آیات به رعایت انصاف و عدالت با مردم دستور داده شده و در کنار آن به بحث عدم خیانت در امور مالی پرداخته است و این قاعده را اختصاص به گروه مسلمان ننموده بلکه آن را به‌طور عام قرار داده است و این حاکی از فرهنگ جامع و عادل قرآن بدون در نظر گرفتن افراد گوناگون است.

۲- حفظ شخصیت و آبروی افراد: اسلام برای حفظ آبرو و حرمت و شخصیت مومنان اهمیت زیادی قایل است و آبروی مومن را برابر با خون وی می‌داند. تا آنجا که هم به خود مومنان دستور می‌دهد که آبروی خود را حفظ کنند و هم به دیگران می‌فرماید که آبروی مومنان را حفظ نمایند: "و من یکسب خطیئة أو إثمًا ثم یرم به بریئاً فقد احمئل إثمنا و إثمنا مبینا" (نساء: ۱۱۲). از آبروی انسان‌های بی‌گناه دفاع کرده و کسانی را که گناه خود را به گردن آنها می‌افکنند مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید: آنها گناه آشکاری انجام داده‌اند و واضح است که نتیجه گناه، آن هم چنین گناهی که حق الناس در آن دخیل است، چیزی جز خشم خداوند و عذاب، و خوار و ذلت نیست.

"ان الذین جاوا بالافک غضبة منکم لا تحسبوه شراً لکم بل هو خیر لکم لکل امری منهج ما اکتسب من الإثم و الذی تولى کینه منهج له عذاب عظیم" (نور: ۱۱)؛ مسلماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (توطئه‌گر) از شما بودند. اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است. آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند و از آنان کسی که بخش مهم آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست.

و از آیات بر می‌آید که به بعضی از خانواده رسول خدا (ص) نسبت فحشا دادند و نسبت‌دهندگان چند نفر بوده و داستان را در میان مردم منتشر کرده و دست به دست گردانده‌اند، و نیز به دست می‌آید که بعضی از منافقین یا بیمار دلان در اشاعه این داستان کمک کرده‌اند، چون به‌طور کلی اشاعه فحشا در میان مومنین را دوست می‌داشتند، و لذا خدا این آیات را نازل کرده و از رسول خدا (ص) دفاع فرمود [9].

در ماجرای افک چندین گناه نهفته است: دروغ، سوءظن به مومن،

سازنده اجتماعی را مورد تایید قرار داده و امضا کرده، بلکه با پایه‌گذاری برخی از اصول در روابط اجتماعی اهمیت آنها را به جامعه ایمانی گوشزد نموده است. چنانکه در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: "یا ایها الناس انما خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر". این آیه ضمن یک دستور اخلاقی، به فلسفه اجتماعی آفرینش خاص انسان اشاره می‌کند؛ به این بیان که انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که به‌صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای در آمده است. با انتساب به ملیت‌ها و قبیله‌ها بازشناسی یکدیگر که شرط قطعی زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد، یعنی اگر این انتساب‌ها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی امکان نداشت و در نتیجه زندگی اجتماعی که براساس روابط انسان‌ها با یکدیگر است امکان‌پذیر نبود.

در آیه دیگر، در سوره فرقان آیه ۵۴ می‌فرماید: "و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان زک قدیراً". این آیه کریمه نیز روابط نسبی و سببی را که مایه پیوند افراد با یکدیگر و پایه بازشناسی آنها از یکدیگر است، به‌عنوان طرحی که در متن خلقت برای حکمت و غایتی کلی قرار داده شده عنوان نموده است. حال با توجه به آموزه‌های وحیانی، فرهنگ قرآن درباره روابط اجتماعی را می‌توان در دو دسته احکام سلبی و ایجابی مورد بررسی قرار داد. به این معنی که برخی از این آداب متوجه ترک برخی از رفتارهاست و برخی دیگر نیز رفتارهایی است که می‌بایست به‌عنوان رفتارهای درست و سالم مورد توجه قرار گرفته و بر آن اهتمام ورزیده شود.

اجتماعی‌بودن انسان، مقتضی این است که روابط خود را با دیگری بشناسد و به‌درستی سامان دهد. بخش بزرگی از احکام و قوانین عقلانی و آموزه‌های اخلاقی به حوزه رفتار اجتماعی و چگونگی ارتباطات بشری و سامان‌دهی آن، باز می‌گردد. اسلام به‌عنوان دین و سبک زندگی بشر، به این مهم توجه ویژه‌ای مبذول داشته و راهکار و فرهنگی برای آن ارائه داده است تا افراد با گذشت زمان‌های طولانی بتوانند از آن استفاده کنند و آن را در زندگی خود به کار گیرند. بنابراین روابط سالم اجتماعی، به‌عنوان یک عامل رهایی از خسران و دست‌یابی به رستگاری در محور آموزه‌های قرآنی قرار می‌گیرد و معاشرت با دیگران از جایگاه مهم و اساسی در زندگی بشر برخوردار می‌شود.

برخی، این مهم را در باب اعجاز اجتماعی قرآن نام برده و در شناخت آن نوشته‌اند: اعجاز اجتماعی قرآن را به لحاظ مفهومی می‌بایست در ساختار قرآنی‌اش تعریف نمود، ساختاری که شامل مباحث و اصولی می‌شود که به‌طور عمده ناظر به حیات اجتماعی انسان گذشته، حال و آینده است و اساساً با توجه به کاربست آن در دو بُعد نظر و عمل، سعادت انسانی تامین شده و تنها با پی‌مودن چنین مسیری بهشت دست‌یافتنی بوده و عاقبت بشر ترسیمی عادلانه و معقول دارد [7]. لذا قوانینی که قرآن کریم معرفی می‌کند محدود به هیچ زمان و عصری نیست و برای اداره جهان کافی است. این کتاب مقدس ارائه‌دهنده فرهنگ و نظامی است که تمامی افراد می‌توانند روابط اجتماعی خود را در جامعه در برخورد با شرایط مختلف با آن هماهنگ سازند و مطابق با آن عمل کرده و فرهنگ قرآنی را در زندگی خویش جاری نمایند. در زیر به بررسی برخی از آیات پرداخته شده است:

ترسیم روابط ایجابی در حوزه اجتماع

رعایت هنجارهای رفتاری و اخلاقی از اصولی است که خداوند در

ایزای مومن، تهمت، اهانت، آزدن پیامبر^(ص)، تضعیف خاندان رسالت و شایعه‌پردازی. خداوند مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب‌پذیری آنان در برابر شایعات توبیخ می‌کند، لذا مومنان در برابر آبروی يك "فرد" مسئول هستند^[10].

"إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا شُبْحَانِكُمْ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ" (نور: ۱۶-۱۵).

بنا بر آیات فوق می‌توان دریافت که فرهنگ قرآن تا چه اندازه برای آبروی مومنان و آبروی فقیران اهمیت قایل است و در جای‌جای تعلیم خود، مستقیم و غیرمستقیم، ما را به حفظ آن سفارش می‌کند.

۳- برخورد برادرانه مومنان با یکدیگر: براساس این اصل اسلامی، قرآن همه مسلمانان (چه در غرب و چه در شرق، با هر زبان) را با نزدیک‌ترین پیوند میان دو انسان (که براساس آن از قانون مساوات و برابری برخوردارند) به‌سان یک خانواده مطرح نموده و خواهر و برادر نامیده است: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" (حجرات: ۱۰)؛ مومنان برادر یکدیگرند. صاحب تفسیر المیزان این قانون را مختص به مسلمانان می‌داند و می‌نویسد این آیه قانونی را تشریح می‌کند که مختص به مسلمانان است و قبلاً این سنت بین آنان نبوده و این آثار شرعی و قانونی دارد^[11].

در روایات بر این مساله نیز تاکید شده و جنبه‌های عملی آن را یادآور شده: "الْمُؤْمِنُ أَحُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ أَشْتَكَ شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرَاؤُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَ إِنْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لِأَشُدَّ أَتْصَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ أَتْصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا"؛ مومن برادر مومن است و هر دو به‌منزله یک پیکرند، اگر عضوی به درد آید دیگر اعضا درد آن را احساس می‌کنند و ارواح آن دو از روح واحدی نشأت گرفته‌اند^[12, 13].

۴- نیکو سخن‌گفتن و رفتار نیکو داشتن: سخن‌گفتن و ارتباط زبانی، از جمله برترین استعدادها و توانایی‌های خدادادی بشر، اصلی‌ترین وسیله ارتباط بین انسان‌ها و طبیعی‌ترین راه بیان و انتقال اندیشه و مقاصد اوست. این مساله تا آن اندازه اهمیت دارد که خداوند در قرآن کریم از آن به‌عنوان يك نعمت بزرگ در کنار تعلیم قرآن و آفرینش انسان یاد کرده است: "الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ" (الرحمن: ۴-۱).

"وَ لَا تُوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً وَ ازُرُّوهُمْ فِيهَا وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ فَازُرُّوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا" "وَ لِيُخْشِيَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافاً خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً" (نساء: ۸-۵). با آنها در سخن مهربانی و از خشونت خودداری کنید و با آنها طوری سخن بگویید که آنها را در راه رشد و صلاح زندگی دنیا و آخرت، رهنمون باشید، به طوری که وقتی بالغ می‌شوند، برای يك زندگی مستقل، آمادگی یافته باشند^[14].

"وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلاً مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ" (بقره: ۸۳).

۵- نرمی در گفتار، رفتار و معاشرت با مردم: آیات قرآن بیانگر یکی از ابعاد آداب معاشرت اسلامی است و آن رعایت اعتدال و انضباط در صدا و سخن‌گفتن در حضور همه مردم است به‌ویژه پیامبران، امامان و اولیای خدا که بیشتر تاکید شده است: "وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتَ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ"

(لقمان: ۱۹).

اسلام، دین جامعی است و حتی برای راه‌رفتن دستور و برنامه دارد. در آیین الهی، عقاید و اخلاق در کنار هم مطرح است. میان‌روزی، دوری از افراط و تفریط و متانت در راه‌رفتن، سفارش قرآن است. نه فقط در راه‌رفتن، بلکه در همه کارها میان‌روزی را مراعات کنیم، صدای خود را کوتاه کنیم، از فریاد بیهوده بپرهیزیم و بیانی نرم و آرام داشته باشیم. فریادکشیدن و بلندکردن صدا، امری ناپسند و نکوهیده است^[15].

۶- صداقت در گفتار و اعمال و مشورت با مردم: صداقت و راست‌گویی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" (توبه: ۱۱۹). راه و روش کسی را انتخاب کنید که در گفتار و کردار راستگو است و مصاحب و رفیق آنها باشید، چنانچه گویی "من در این مساله با فلانی هستم"، یعنی پیرو نظریه او هستم^[16].

"لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَاناً وَ يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ" (حشر: ۸). در این آیه مومنان محرومی که علی‌رغم همه مشکلات، استقامت به خرج دادند و از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند و جز رضای خدا و یاری پیامبر^(ص) هدفی نداشتند، به‌عنوان صادقان معرفی شده‌اند.

"فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ" (آل عمران: ۱۵۹).

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و صاحب‌نظران آنها به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند. به‌عکس افرادی که گرفتار استبداد رای هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند غالباً گرفتار اشتباهات خطرناک و دردناکی می‌شوند.

۷- وفای به عهد و وعده: وفای به عهد، یکی از بدیهی‌ترین ارزش‌های اجتماعی است که مقبولیت عمومی دارد. در واقع، حسن وفای به عهد و قبح عهدشکنی از امور فطری است که برای هر انسانی قابل فهم است: "أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً" (اسراء: ۳۴)؛ به پیمان خود وفا کنید زیرا که از پیمان پریشانی خواهد شد.

"وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ" (مومنون: ۸). "یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود" (مائد: ۱). "العقود" جمع محلی به الف و لام و مفید عموم است و جمله نیز کاملاً مطلق است. آیه فوق دلیل بر وجوب وفا به تمام پیمان‌هایی است که میان افراد انسان با یکدیگر یا افراد انسان با خدا، به‌طور محکم بسته می‌شود و به این ترتیب تمام پیمان‌های الهی و انسانی و پیمان‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و تجاری و زناشویی و مانند آن را در بر می‌گیرد و يك مفهوم کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه‌های زندگی انسان اعم از عقیده و عمل ناظر است، از پیمان‌های فطری و توحیدی گرفته تا پیمان‌هایی که مردم بر سر مسایل مختلف زندگی با هم می‌بندند.

مساله وفای به عهد و پیمان از اساسی‌ترین شرایط زندگی دسته‌جمعی است و بدون آن هیچ‌گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست و بشر با از دست‌دادن آن زندگی اجتماعی و اثرات آن را عملاً از دست خواهد داد و شاید کمتر چیزی باشد که این قدر گسترش داشته باشد، زیرا بدون آن هرج و مرج و سلب اطمینان عمومی که

فرهنگ اجتماعی قرآن در ترسیم روابط سلبی در حوزه اجتماع

در ارتباطات با افراد رفتارهایی وجود دارد که از آنها با نام رفتارهای ناپه‌نجان یاد می‌شود و شخص می‌بایست از آنها اجتناب ورزد. از آن جایی که هر گونه رفتار سالم و نادرست می‌تواند روند اجتماعی و معاشرتی را به هم بریزد و مسیر ارتباطی انسان‌ها را به انحراف کشاند، خداوند در فرهنگ قرآن در بسیاری از آیات به ناپه‌نجان‌های رفتاری و اخلاقی اشاره کرده و آن را عامل مهمی در فروپاشی جامعه سالم و ایجاد بحران در روابط اجتماعی دانسته است و از آن نهی کرده است.

۱- عدم استهزاء دیگران: "یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین" (مانده: ۵۷).

در این آیه از رابطه دوستی با کسانی که دین الهی را به سخره گرفتند نهی می‌کند، لذا این اصل (به‌سخره‌نگرفتن افراد) از اصولی است که در جامعه و فرهنگ اسلامی باید نهادینه شود.

"یا ایها الذین آمنوا لایشخرن قوم من قوم عسی ان یكونوا خیراً منهم و لا نساء من نساء عسی ان ینکن خیراً منهم و لاتلمزوا انفسکم و لا تنازروا بالالاقاب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان و من لم ینب فاولئک هم الظالمون" (حجرات: ۱۱).

در اینجا مخاطب مومنانند؛ اعم از مردان و زنان، قرآن به همه هشدار می‌دهد که از این عمل زشت بپرهیزند، چرا که سرچشمه استهزاء و سخریه همان حس خودبرتربینی و کبر و غرور است که عامل بسیاری از جنگ‌های خونین در طول تاریخ بوده و این "خودبرتربینی" بیشتر از ارزش‌های ظاهری و مادی سرچشمه می‌گیرد، در حالی که معیار ارزش در پیشگاه خداوند تقوا است و این بستگی به پاکی قلب و نیت و تواضع و اخلاق و ادب دارد و به همین دلیل تحقیر دیگران و خود را برتر شمردن یکی از بدترین کارها و زشت‌ترین عیوب اخلاقی است که بازتاب آن در تمام زندگی انسان‌ها ممکن است آشکار شود[18].

۲- عدم دشمنی با دیگران: یکی از ناپه‌نجان‌های اجتماعی، دشمنی افراد با یکدیگر و روابط ناپه‌نجان حاصل از آن است که در فرهنگ قرآنی از آن نهی شده است: "و لا تعاونوا علی الایم و الغدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب" (مانده: ۲).

این کینه و دشمنی که آنها (کافران) نگذاشتند شما داخل مسجد الحرام بشوید، شما را وادار نکند بر اینکه بر آنان تعدی کنید و حال آن که خدا شما را بر آنان مسلط کرده، وبال این جرم بر شما تحمیل نشود[19]. لذا از اصل دشمنی‌ورزیدن به هر بهانه و علتی نهی می‌کند.

۳- عدم اختلاف‌افکنی: از آنجایی که هدف در جامعه حفظ وحدت و اصلاح میان مردم است، در برهه‌ای از زمان که اصحاب در رابطه با غنایم جنگی اختلاف می‌کردند و مسایل گوناگون در رابطه با آن رخ داد، خداوند به اصل وحدت اشاره دارد و مردم را از تفرقه و اختلاف برحذر می‌دارد.

"یسئلونک عن الأنفال قل الأنفال لله و الرسول فاتقوا الله و اذیعوا ذات بینهکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مؤمنین" (الانفال: ۱)؛ از تو درباره غنایم سؤال می‌کنند، بگو: "انفال مخصوص خدا و پیامبر است. پس از (مخالفت) خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید. و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید".

۴- عدم تجسس در امور دیگران: گمان بد، عاملی است برای جست‌وجوگری، و جست‌وجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم، و اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی آنها فاش شود: "یا ایها الذین آمنوا اجنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً اوجب احدثکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرها ثموه و اتقوا الله ان الله تواب رحیم" (حجرات: ۱۲).

اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر در امنیت باشند. بدیهی است اگر اجازه داده شود هر کس به جست‌وجوگری درباره دیگران برخیزد حیثیت و آبروی مردم بر باد می‌رود و جهنمی به وجود می‌آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود[18].

۵- عدم تکبر و تفاخر در روابط با دیگران: قرآن، تکبر و استکبار را از زشت‌ترین صفات و بدترین اعمال و نکوهیده‌ترین خصلت‌های انسانی می‌شمرد، صفتی که می‌تواند سرچشمه انواع گناهان و حتی سرچشمه کفر شود و آنها که در این خصلت زشت غوطه‌ور شوند، هرگز روی سعادت را نخواهند دید: "و لا تضرع حدک للناس و لا تمس فی الأرض مراً ان الله لا یحب کل محتال فخور" (لقمان: ۱۸). میانه‌رو باش و به‌آرامی و وقار راه برو، چنان که در آیه شریفه فرموده: "انان که روی زمین به‌آرامی راه می‌روند". قتاده گفته است مقصود تواضع در راه رفتن است و سعید بن جبیر گفته مقصود این است که متکبرانه راه مرو[20].

۶- عدم بخل و خساست: انفاق، یکی از فضایل اخلاقی است که در اسلام به‌طور مکرر به آن سفارش شده است. صفت ناپسند بخل از مواضع انفاق است که در قرآن از آن نهی شده است: "الذین ینخلون و یأمرون الناس بالبخل و یکنتمون ما اتاهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً" (نساء: ۳۷). "و اغبذوا الله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القرزی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القرزی و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکتم ایمانکم ان الله لا یحب من کان مختالاً فخوراً. الذین ینخلون و یأمرون الناس بالبخل و یکنتمون ما اتاهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً" (نساء: ۳۷-۳۶). خداوند در این آیات، مسلمین را تشویق و تحریک بر احسان و انفاق در راه خدا نموده و در ازای آن وعده جمیل داده و ترک آن را که یا به انگیزه بخل است یا به انگیزه انفاق در راه خودنمایی است، مذمت کرده است. منظور این جمله این نیست که فقط با زبان به مردم می‌گویند بخل بورزید، بلکه با روش عملی خود مردم را به بخل وادار می‌سازند، حال چه اینکه به زبان هم دعوت بکنند یا سکوت نمایند، چون طمع طبیعت بشر است، پس عمل افراد بخیل خود دعوت‌کننده مردم به بخل است، به بخل امر می‌کند و از انفاق منع می‌نماید، و مثل این است که با زبان امر و منع کنند[21].

فرهنگ قرآن در ترسیم روابط فردی مطلوب برای انسان

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال، بزرگ‌ترین و اثرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که می‌تواند منشا تحول فردی و اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد. خانواده، مهم‌ترین نهادی است که فرد در آن پرورش می‌یابد. بنابراین سرمایه‌گذاری و توجه هر چه بیشتر به این نهاد مقدس، از رسالت معلمان به‌ویژه پیامبران و پیشوایان ادیان بوده است.

۳- **نگهداری و مراقبت از والدین:** در نظام قرآن سپردن والدین به سرای خاصی برای نگهداری امری مورد تأیید نیست و بر فرزندان لازم است که از پدر و مادر خویش نگهداری و مراقبت کنند، همان گونه که در سوره اسراء می‌فرماید: "وَ اَحْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا" (اسراء: ۲۴). انسان باید در معاشرت و گفت‌وگوی با پدر و مادر طوری روبه‌رو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌دارد و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد. همچنین دوران کوچکی و ناتوانی فرزند را به یادش می‌آورد و به او خاطر نشان می‌سازد، در این دوره که پدر و مادر ناتوان شده تو به یاد دوره ناتوانی خود باش و از خدا بخواه که خدای سبحان ایشان را رحم کند، آن چنان که ایشان تو را رحم نموده و در کوچکی‌ات تربیت کردند^[25].

وظایف والدین نسبت به یکدیگر

رابطه موجود دیگر در خانواده، رابطه زناشویی و وظایف حاصل از این رابطه است که کیفیت ارتباط زن و شوهر از جمله موضوعاتی است که در باب خانواده مطرح شده است. لذا در قرآن کریم نیز برای آن الگو و راهکاری از وظایف ارائه شده و این نشان از جامع‌بودن این فرهنگ در تمامی روابط انسانی است. در میان آیات قرآن به حقوق و وظایف زن و مرد اشاره شده است: آیه ۲۲۸ سوره بقره به احترام متقابل میان زن و مرد و رعایت حقوق متقابل یکدیگر اشاره دارد؛ به همان اندازه که زنان وظایفی دارند، حقوقی هم برای آنها قرار داده شده است و از تساوی این حقوق با آن وظایف، اجرای عدالت در حق آنان عملی می‌شود و قانون عدالت در حق زن همانند مرد جاری است. در واقع قرآن کریم نظامی جامع را ارائه داده است که در ذیل بدان پرداخته شده است:

۱- **ایجاد فضای عاطفی در خانه:** "و مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَتَسَكَّنُوا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ" (روم: ۲۱). این آیه بیانگر پیوند محبت دو همسر به صورت فطری است و بدین معنی است که تنها با تحقق پیمان زناشویی به‌طور تکوینی، محبت و رحمت به وجود می‌آید. برای تحکیم روابط میان اعضای خانواده باید با ایجاد فضایی عاطفی، با تقویت گزینه موانست و بهره‌گیری از حس حب ذات همراه با درک نیازها و خواسته‌های مشروع طرفین اقدام نمود. از سیاق آیات قرآن می‌توان برخی از راهکارهای ایجاد فضایی عاطفی و مهرآمیز را به دست آورد.

۲- **برخورد زیبا و دوری از تمسخر:** خداوند متعال در سوره حجرات از خطاب‌های زشت و نفرت‌انگیز نهی کرده و به مسلمانان یادآور می‌شود که همدیگر را با نام نیک و خطاب مهربانگیز صدا کنند و از کلمات زشت و مستهجن و اهانت‌آمیز در روابط فیما بین استفاده نکنند: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْألقَابِ بئسَ الاسمُ الفسوقُ بَعْدَ الإيمانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ" (حجرات: ۱۱).

براساس این راهکار قرآنی، زن و شوهر و سایر اعضای خانواده برای تقویت ارتباط خود باید از بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین القاب و اسامی بهره‌گیرند و یکدیگر را مورد تمسخر قرار نداده و صفا و صمیمیت را در فضای خانواده حاکم سازند. با عبارات عاطفی و دلنشین، روابط زوجین تقویت شده و موجب پایداری بنیان خانواده می‌شود. این شیوه کارآمد تربیتی نه‌تنها برای استحکام

خانواده در نگاه اسلام و فرهنگ قرآن، بر مبنای ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد که میان اعضای آن روابط نسبی یا سببی حاکم بوده و آنها در مقابل هم از حقوق و تکالیفی برخوردارند و براساس مدیریت واحد اداره می‌شوند. لذا جایگاه تلاقی سه نوع رابطه است: رابطه متقابل پدر و مادر- فرزندی، رابطه هم‌خونی (قرابت، نسبی) و زناشویی (سببی)^[22]. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان است.

اولین کارکرد خانه در این نظام، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه‌جانبه این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: "وَ اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا؛ خداوند از خانه‌های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد (نحل: ۸۰). انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رهاشدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت‌کردن و راز و نیاز با خدا و محرمان نیاز دارد. اگر خانه تأمین‌کننده این نیازها نباشد، مسکن و محل آرامش نخواهد بود. مهم‌ترین روابطی که بین انسان با انسان دیگر تحقق می‌یابد، رابطه تکوینی فرزند با پدر و مادر و وظایفی است که فرزندان در قبال والدین خود باید به انجام برسانند و روابط والدین و حقوق حاصل از آن را نیز شامل می‌شود.

وظایف فرزندان نسبت به والدین

۱- **احسان به والدین:** در قرآن کریم، معیار ارزش‌ها در مورد پدر و مادر، احسان است. در آیات بسیاری آمده است: "اغْبُدُوا اللّٰهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا" (نساء: ۳۶). "قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا" (انعام: ۱۵۱).

پرواضح است که فرزند نسبت به پدر و مادر باید احسان کند و این امر پس از مساله شرک به خدا که از مهم‌ترین مسایل است ذکر شده لذا از اینجا روشن است که حق پدر و مادر بر فرزند تا چه حد است به‌طوری که در سایر افراد جامعه نسبت به یکدیگر نمی‌توان برای آن مشابهی یافت.

۲- **احترام و نیکی به والدین:** از وظایف دیگر فرزندان در قبال والدین و یکی از حقوق والدین بر فرزندان، احترام به والدین و نیکی‌کردن به آنها است تا جایی که تعبیراتی در قرآن کریم ذکر شده که اهمیت این مساله را به‌خوبی روشن می‌کند: "وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ وَ لا تَنْهَهِمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا" (اسراء: ۲۳). کمترین حد نافرمانی پدر و مادر، گفتن اف است و اگر خداوند، چیزی آسان‌تر و کوچک‌تر از آن، در نافرمانی پدر و مادر سراغ داشت، از آن منع می‌کرد^[23].

"وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَّ عَلَىٰ وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ اَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِيُوالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ" (لقمان: ۱۴).

در این آیات اهمیت احترام به پدر و مادر در کنار سپاس‌گزاری از خداوند قرار گرفته است؛ شکر مرا به جا آور که خالق و منعم اصلی توام و چنین پدر و مادر مهربانی به تو داده‌ام و هم شکر پدر و مادرت را که واسطه این فیض و عهده‌دار انتقال نعمت‌های من به تو هستند^[24].

لَهُ أُخْرَى" (طلاق: ۶)؛ آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند.

"الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ" (نساء: ۳۴). به خاطر اینکه مردان مهر و نفقه به زنان می‌دهند بر آنان برتری دارند. تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهر و تامین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد^[14, 26]. حال براساس این فضیلت و برتری مرد نسبت به زن، مدیریت خانواده بر عهده مرد است و آنان طبق فطرت و قانون الهی وظیفه هدایت و راهنمایی سایر اعضای خانواده را بر عهده دارند، لذا اطاعت او بر زن نیز واجب شده است.

نوع دیگر خدمت به تعاون و همکاری در خانه می‌انجامد و در آیات قرآن این عمل پسندیده از شیوه‌های مردان خدا و پیامبران الهی محسوب می‌شود: "إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُتُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى" (طه: ۱۰). حضرت موسی^(ع) به‌همراه همسر باردار خود، عزم سفر نمود و در بیابان راه را گم کردند. در آن بیابان تاریک و هوای سرد و بارانی، برای گرمی و راهیابی، نیاز به آتش داشتند که از دور آتشی نمایان شد و حضرت برای به‌دست‌آوردن آتش و آسایش خانواده، راهی آن مکان شد که ناگهان ندایی آمد و خداوند موسی را به پیامبری برگزید. لذا موسی^(ع) برای پیدا کردن راه نجات خود و خانواده‌اش به سراغ آتش رفت، ولی خداوند راه نجات دیگران را به روی او گشود^[27]. خدمت به خانواده و یاری‌رساندن به کدبانوی خانه دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند، نیازهای زندگی را برطرف ساخته و به فرزندان نیز درس عشق و محبت و خدمت‌گزاری می‌آموزد، چرا که انجام کارهای منزل تنها به عهده بانوان نیست بلکه همکاری، مساعدت و یاری همسر را می‌طلبد.

۶- سفرهای خانوادگی: در عصر ما که زندگی‌های شهری و ماشینی موجب شده افراد در خانه‌ها بمانند و کمتر به بیرون‌رفتن نیاز پیدا می‌کنند رفتن به سفرهای زیارتی، صلح ارحام و تفریحی به‌همراه خانواده از جمله ضروریات زندگی محسوب می‌شود. این امر آثار و برکات تربیتی و اخلاقی و آموزشی فراوانی به‌همراه دارد. شکوفاشدن روحیه تعاون و همیاری در میان اعضای خانواده، کسب تجربه به‌ویژه برای فرزندان، مشاهده اعجازانگیز و شگفت‌آور آثار طبیعی و معرفت بیشتر به قدرت الهی، دیدار بستگان و خویشاوندان، به‌دست‌آوردن پاداش‌های معنوی و از همه مهم‌تر تالیف قلوب و انس بیشتر اعضای خانواده با همدیگر از جمله ره‌آوردهای سفرهای خانوادگی است. قرآن کریم نیز در لابه‌لای آیات آسمانی خود به سفرهای خانوادگی اشاره دارد:

سفر حضرت ابراهیم به‌همراه خانواده به سرزمین وحی و کعبه معظمه: "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُونِهَا بَادِيًا غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ" (ابراهیم: ۳۷). سفر ابراهیم^(ع) به‌همراه اسماعیل و مادرش هاجر به سرزمین مکه که در آن روز يك سرزمین خشک و خاموش و فاقد همه چیز بود^[28].

مسافرت حضرت موسی به‌همراه همسرش صفورا از مدائن به مصر: "إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُتُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى" (طه: ۱۰). هنگامی که آتشی مشاهده

روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مناسب است بلکه در تربیت فرزندان نیز تاثیر دارد. خداوند در سوره قصص با نقل قصه یک بانوی وارسته به‌گفت‌وگویی دلنشین و محبت‌آمیز او با همسرش پرداخته و می‌فرماید: "وَ قَالَتْ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْبِ لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ" (قصص: ۹). این بانوی شایسته با‌گفت‌وگویی دلنشین و استدلال متین خود خانواده‌اش را از یک بحران نجات داده و همسرش را از قتل یک کودک بی‌گناه بازداشت.

۳- هدیه‌دادن به یکدیگر: ابراز علاقه و محبت زن و شوهر به همدیگر راه‌های مختلفی دارد که یکی از زیباترین روش‌های آن هدیه‌دادن به یکدیگر است. قرآن در مواردی از این شیوه مهرآور سخن گفته است و گاهی به آن ترغیب می‌کند. در زندگی زناشویی یکی از دستورات اخلاقی و حقوق و وظایف متقابل که بسیار مورد تاکید قرآن و پیشوایان دین است، مساله حسن معاشرت و خوش‌رفتاری با یکدیگر است تا جایی که این دستور اخلاقی جنبه حقوقی و تکلیفی پیدا نموده است. اهمیت و نقش حیاتی حسن معاشرت در زندگی تا آنجاست که در قانون مدنی ماده ۱۱۰۳ آمده: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

حسن معاشرت و دوستی با یکدیگر از اصول پیشگیری و بهداشتی زندگی زناشویی است که اجرای درست و دقیق آنها زندگی زن و شوهر را از آلوده‌شدن به بیماری‌های "نشوز و شقاق" و از مرگ و انهدام کانون زندگی مشترک یعنی طلاق مصونیت می‌بخشد.

اینجاست که می‌بینیم قرآن کریم با به‌کاربردن کنایات و استعارات زیبا و لطیف این وظیفه اخلاقی مهم را متذکر می‌شود: "وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا" (نساء: ۱۹). به مردان توصیه می‌کند که با همسرانتان به نیکویی معاشرت کنید و به‌دنبال آن اضافه می‌کند: "فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا"؛ یعنی اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل نداشته باشید و بر اثر اموری آنها در نظر شما ناخوشایند باشند فوراً تصمیم به جدایی یا بدرفتاری نگیرید. به تعبیری تا کارد به استخوان شما نرسد سزاوار است معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید.

۴- مشورت‌کردن با یکدیگر: در اهمیت این مساله در فرهنگ جامع قرآنی همین بس که سوره‌ای به این نام وجود دارد. "وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ" (آل‌عمران: ۱۵۹). این آیه سیره رسول خدا^(ص) را امضا کرده، چون جور و جفای مردم را با نرم‌خویی و عفو و مغفرت مقابله می‌کرده و در امور با آنان مشورت می‌نموده است، به شهادت اینکه اندکی قبل از وقوع جنگ با آنان مشورت کرد، و این امضا اشاره‌ای است به این که رسول خدا^(ص) بدانچه مامور شده عمل می‌کند و خدای سبحان از عمل او راضی است^[21].

۵- خدمت به خانواده و مدیریت آن: از نمونه‌های بارز خدمت به خانواده که از وظایف شرعی مرد نیز محسوب می‌شود تامین مخارج خانواده از راه حلال است. تهیه درآمد حلال و گسترش سفره‌های پاکیزه و غذاهای لذت‌بخش از جانب مدیر خانواده از عوامل کارآمدی است که در استحکام خانواده اثر دارد: "أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أَتَمَّرُوا بَيْنَكُم مِمَّ عَرُوفٍ وَ إِنْ تَعَاذَرْتُمْ فَسْتَزْعُ

کرد، به خانواده خود گفت: درنگ کنید شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورد؛ یا به‌وسیله این آتش راه را پیدا کنم.

سفر خانوادگی حضرت یعقوب از کنعان به سوی مرکز حکومت یوسف^(ع): «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ إِنِّ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ» (یوسف: ۹۹).

۷- حفظ عفت و حریم خانواده: پاسداری از حریم خانواده بر زن و مرد لازم است. داشتن عفت و حجاب نیز بر هر دو ضروری است. لذا باید عفت و سلامت خود را برای یکدیگر حفظ نمایند و آنچه در محرمیت و انحصار دیگری است نزد احدی آشکار نسازند و خود را از جمیع ناپاکی‌ها و زشتی‌ها منزه دارند. چنانکه دستور فرموده: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ» و «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» (مومنون: ۵-۶)، و آنها که دامان خود را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

«وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضٌ مِّنْ أَصْوَهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْإِزْتِهَاءِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ و به زنان بایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند... (نور: ۳۱).

از وظایف زنان آن است که از آرایش و زینت به‌خاطر جلب مردان بیگانه دوری جویند و نیز از آشکارا ساختن مواضع زینت در انظار عمومی جلوگیری نمایند: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَتَّبِعُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً» (نساء: ۳۴). زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند و در غیاب (همسر) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. لذا نشانه همسر شایسته، رازداری، حفظ مال و آبرو و ناموس شوهر در غیاب اوست^[29].

۸- عفو و گذشت نسبت به یکدیگر: هر زن و شوهری طبعاً در زندگی خود دچار خطاها و لغزش‌هایی می‌شوند. یکی از علل مهم اختلافات خانوادگی عدم تحمل و کم‌صبری زن و شوهر نسبت به یکدیگر است به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (نور: ۲۲). پس همان گونه که شما انتظار عفو الهی را در برابر لغزش‌ها دارید باید در مورد دیگران عفو و بخشش را فراموش نکنید. آیات فوق درس بسیار بزرگی است برای امروز و فردای مسلمانان و همه آیندگان که به‌هنگام آلودگی بعضی از افراد به گناه و لغزشی، نباید در کيفر از حد اعتدال تجاوز کرد، نباید آنها را از جامعه اسلامی طرد نمود و نباید درهای کمک را به روی آنها بست تا يك‌باره در دامن دشمنان سقوط کنند و در صف آنها قرار گیرند^[30].

نتیجه‌گیری

از آنجا که خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و مقدمه

ورود فرد به جامعه است، ناگفته پیداست که در این نظام، مساله تربیت فرزندان، روابط زوجین و حقوقی که هر یک در برابر دیگری بر عهده دارند، دارای اهمیت وافر است. لذا قرآن کریم از این نظام و موارد فوق غافل نبوده و براساس فرهنگ کاربردی قرآن برای هر کدام وظیفه‌ای خاص قرار داده که شامل وظایف فرزندان نسبت به والدین (احسان و نیکی به والدین، احترام، نگهداری و مراقبت از آنان) و وظایف والدین نسبت به یکدیگر (ایجاد فضای عاطفی، برخورد زیبا و دور از تمسخر، مشورت با یکدیگر، خدمت به خانواده و مدیریت آن، سفرهای خانوادگی، حفظ عفت و حریم خانواده، هدیه‌دادن، عفو و گذشت نسبت به یکدیگر) است.

همچنین در روابط اجتماعی و برخورد با دیگران نیز فرهنگ کاربردی قرآن ارایه‌دهنده نظامی است که براساس آن حقوقی را بر هر فرد مقرر و هر کس را موظف به رعایت آن در برابر دیگری می‌داند که شامل روابط ایجابی (تعدیل در برخورد با مردم بدون در نظر گرفتن اعتقادات آنان، حفظ شخصیت و آبروی افراد، برخورد برادرانه مومنان با یکدیگر، نیکی سخن‌گفتن و رفتار نیکی داشتن، نرمی در گفتار، رفتار و معاشرت با مردم، مشورت و صداقت در رفتار و گفتار، وفای به عهد و وعده) و روابط سلبی (عدم استهزاء دیگران، عدم دشمنی با افراد، عدم اختلاف‌افکنی، عدم تجسس در امور دیگران، عدم تکبر و تفاخر با دیگران، عدم بخل‌ورزی و حساست) است.

با توجه به نکات فوق و توجه در ارتباطات سلبی و ایجابی پرواضح است اگر افراد بر طبق این کتاب آسمانی عمل نمایند و هر یک خود را ملزم به رعایت بایدها و نبایدهای قرآنی در این فرهنگ بدانند، باید در انتظار جامعه‌ای سالم، خالی از تنش، استرس فکری، رفتاری- اخلاقی و ناپهنجاری‌های اجتماعی و قرآنی بود که تربیت و فرهنگ اسلامی در آن موج می‌زند.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

سهم نویسندگان: نجمه کاظمی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۶۰٪)؛ محمد عترت دوست (نویسنده دوم)، نگارنده مقاله/روش‌شناس (۴۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- 1- Cheraghi Kutiyani E. Approach of Islam to four important functions of family. Marifat. 2009;18(139):34-5. [Persian]
- 2- Monadi M. Family sociology: An analysis of everyday life and space of family inside. Tehran: Danzheh; 2006. pp. 14-5. [Persian]
- 3- Saroukhani B. Introduction to family sociology. 8th Edition. Tehran: Soroush; 2006. p. 11. [Persian]
- 4- Sheari Nejad AA. Dictionary of behavioral sciences. Tehran: Amirkabir; 1996. p. 345. [Persian]
- 5- Weber M. Basic concepts in sociology. Sedarati A, translator. Tehran: Nashre Markaz; 1992. p. 31. [Persian]
- 6- Shayan Mehr AR. Comparative encyclopedia of social sciences: War and revolution. Tehran: Keyhan; 1998. p. 28. [Persian]
- 7- Aghaee MR. Quran's social miracle with an emphasis on sociological rules. Quran Sci. 2011;(8):77-104. [Persian]
- 8- Qaraati M. Light interpretation (Tafsir Noor). 1st Volume. 11th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons

- Edition. Beirut: Moaseseh al-A'lami le al-Matbooot; 1974. [Arabic]
- 20- Fazl Ibn Hasan Tabarsi. Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran). 19th Volume. 1st Edition. Tehran: Farahani; 1977. [Persian-Arabic]
- 21- Tabatabai SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). 4th Volume. 3rd Edition. Beirut: Moaseseh al-A'lami le al-Matbooot; 1974. [Arabic]
- 22- Behnam J. The family changes: Family dynamics in various cultural domains. 1st Edition. Pooyandeh MJ, translator. Tehran: Mahi; 2004. p. 19. [Persian]
- 23- Fazl Ibn Hasan Tabarsi. Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran). 14th Volume. 1st Edition. Tehran: Farahani; 2001. [Persian-Arabic]
- 24- Makarem Shirazi N, et al. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 1st Volume. 1st Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyeh; 2005. [Persian]
- 25- Tabatabai SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). 13th Volume. 2nd Edition. Beirut: Moaseseh al-A'lami le al-Matbooot; 1972. [Arabic]
- 26- Makarem Shirazi N, et al. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 3rd Volume. 1st Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyeh; 1975. [Persian]
- 27- Qaraati M. Light interpretation (Tafsir Noor). 5th Volume. 18th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from Quran; 2007. [Persian]
- 28- Makarem Shirazi N, et al. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 10th Volume. 1st Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyeh; 2007. [Persian]
- 29- Qaraati M. Light interpretation (Tafsir Noor). 2nd Volume. 7th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from Quran; 2005. [Persian]
- 30- Makarem Shirazi N, et al. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 14th Volume. 1st Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyeh; 2010. [Persian]
- from Quran; 2004. p. 543. [Persian]
- 9- Tabatabai SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). 15th Volume. 2nd Edition. Beirut: Moaseseh al-A'lami le al-Matbooot; 1972. [Arabic]
- 10- Qaraati M. Light interpretation (Tafsir Noor). 6th Volume. 11th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from Quran; 2005. pp. 152-6. [Persian]
- 11- Tabatabai SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). 18th Volume. 2nd Edition. Beirut: Moaseseh al-A'lami le al-Matbooot; 1973. [Arabic]
- 12- Muhammad Ibn Ya'qub al-Kulayni. The sufficient book (al-Kafi). 2nd Volume. 2nd Edition. Ghaffari AA, Akhouni M, editors. Qom: Dar al-Kotob al-Eslamiyyeh; 1967. [Arabic]
- 13- Abdul Ali Ibn Joma'h Aroussi Howayzi. Light of two precious things (Noor al-Thaqalayn). 5th Volume. 4th Edition. Qom: Moaseseh Esmaelian; 1994. p. 86. [Arabic]
- 14- Fazl Ibn Hasan Tabarsi. Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran). 5th Volume. 1st Edition. Beheshti A, translator. Tehran: Farahani; 2000. [Persian-Arabic]
- 15- Qaraati M. Light interpretation (Tafsir Noor). 7th Volume. 10th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from Quran; 2004. p. 270. [Persian]
- 16- Fazl Ibn Hasan Tabarsi. Collection of expressions in the interpretation of Quran (Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran). 11th Volume. 1st Edition. Tehran: Farahani; 2001. [Persian-Arabic]
- 17- Makarem Shirazi N, et al. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 4th Volume. 1st Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyeh; 1995. p. 245. [Persian]
- 18- Makarem Shirazi N, et al. The ideal commentary (Tafsir Nemooneh). 22nd Volume. 10th Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyeh; 1993. [Persian]
- 19- Tabatabai SMH. The balance in interpretation of Quran (al-Mizan fi Tafsir al-Quran). 5th Volume. 2nd